

شهرنشینی کشاورزان و پیامدهای اجتماعی آن در روستا مطالعه موردی: دهستان میربگ جنوبی، شهرستان دلفان

جعفر توکلی* - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۶/۱۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۷/۱۹

چکیده

شهرنشینی شدن کشاورزان و جدایی فضایی- مکانی کشاورزی از سکونت از پدیده‌های امروزی روستاها به‌شمار می‌آید. کشاورزان دیگر فقط در روستاها سکونت ندارند و بسیاری کسانی که ساکن شهرها هستند و در روستاها کشاورزی می‌کنند. پژوهش حاضر به بررسی ابعاد اجتماعی این مسئله پرداخته است. برای این منظور ۱۸ گویه در قالب ۵ مؤلفه بررسی شد. جامعه آماری تحقیق، ۲۲۰ سرپرست خانوار روستایی ساکن ۵ روستای دهستان میربگ شهرستان دلفان بود که از این تعداد ۸۰ کشاورز مقیم روستا و ۵۹ کشاورز ساکن شهر به‌عنوان نمونه انتخاب شدند. روش تحقیق، توصیفی- تحلیلی و ابزار استفاده‌شده پرسشنامه بود. نتایج نشان دادند که پذیرش اجتماعی دو گروه نسبت به یکدیگر تقریباً مطلوب است (میانگین رتبه‌ای: روستا: ۳/۵۴؛ شهر: ۳/۷۶). الگوپذیری از نظر کشاورزان ساکن روستا در حد زیاد و از نظر کشاورزان ساکن شهر نسبتاً زیاد است (میانگین رتبه‌ای: روستا: ۴/۰۶؛ شهر: ۳/۸۳). رضایت شغلی کشاورزان ساکن روستا نسبتاً زیاد و گروه ساکن شهر نسبتاً کم است (میانگین رتبه‌ای: روستا: ۳/۲۰؛ شهر: ۲/۱۳). اختلاف و تنش بین دو گروه در حد نسبتاً زیاد ارزیابی شده است (میانگین رتبه‌ای: روستا: ۳/۹۷؛ شهر: ۳/۹۴). افزون بر این بین پذیرش اجتماعی و متغیرهای الگوپذیری و رضایت شغلی رابطه مثبت و معنادار برقرار است. الگوپذیری گروه مقیم روستا از کشاورزانی که سابقه شهرنشینی کمتری دارند بیشتر و رضایت شغلی جوان‌ترها و گروه ساکن شهر کمتر از دیگران است. بنابراین یکی از ضرورت‌های برنامه‌ریزی توسعه روستایی، شناخت همه‌جانبه گروه اخیر و چالش‌های فراروی ایشان و ساکنان دائمی روستاهاست.

کلیدواژه‌ها: روستاگرایی، سکونت فصلی، کشاورزان پاره‌وقت، کشاورزان غایب، میربگ جنوبی.

مقدمه

در سایه نوآوری‌های پرشمار فن‌شناسانه، روابط جوامع انسانی و تعاملات بین عرصه‌های روستایی و شهری افزایش یافته و روابط جوامع و سکونتگاه‌های انسانی علاوه بر سرعت و تداوم از تمامیت و به هم پیوستگی^۱ زیادی نیز برخوردار شده است (وودز، ۱۳۹۰، ۴۷). از این رو تفکیک شهر از روستا و گروه‌های روستایی از شهری به سادگی گذشته نیست و سنت جغرافیا و برخی علوم دیگر در تعریف و تحدید مرزها و ویژگی‌های شهر و روستا رنگ می‌بازد. اکنون دیگر بسیاری از ویژگی‌های نسبت داده شده به جوامع شهری و روستایی مصداق خود را از دست داده‌اند. ملاک‌هایی مانند جمعیت، اشتغال، تجانس، تحرک اجتماعی، روابط متقابل و به‌طور کلی تمایزات بین جامعه روستایی و شهری کمتر شده است. کمبودهای روستاها رو به کاهش است و روحیات روستاییان نیز به همگنان شهری نزدیک‌تر شده است (جمعه‌پور، ۱۳۸۴، ۶۳). بر این اساس در رویکردهایی چون رویکرد سیستمی^۲، رویکرد سرزمینی^۳، و رویکرد پیوستار شهری- روستایی^۴، سکونتگاه‌های موجود در یک پهنه جغرافیایی را نمی‌توان به شیوه بولین (سیاه و سفید، صفر و یک، شهر و روستا) از یکدیگر تفکیک کرد، بلکه طیفی از سکونتگاه‌ها که در دو سوی آن جوامع کاملاً شهری و روستایی قرار می‌گیرند، وجود دارد (رضوانی و همکاران، ۱۳۹۰، ۳).

شکل‌گیری چنین پیوستاری بازتاب فضایی- مکانی پیشرفت شگرف حمل‌ونقل و ارتباطات است که فرصت‌های جدیدی را فراروی جوامع انسانی قرار داده و بازساخت فضاهای جغرافیایی و روابط شهر و روستا را برپایه شرایط نوین مقدور ساخته است. بدین ترتیب روابط، نقش‌ها و کارکردهای شهر و روستا متحول شده و مفاهیمی چون تخصص‌گرایی و تفکیک کارکردهای

1. Interconnectivity
2. System approach
3. Territorial approach
4. Rural- urban continuum

سکونتگاهی شکل گرفته است. پدیده خزش شهری، تبدیل روستاها به حومه‌های خوابگاهی، و ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در اطراف کلان‌شهرها همگی نمونه‌های بارز این واقعیت‌اند که انسان عصر جهانی شدن همه کارکردهای اساسی زندگی خویش را در یک مکان جست‌وجو نمی‌کند.

در این میان پدیده‌ای که کمتر به آن توجه شده، شهرنشینی کشاورزان و تبدیل تدریجی روستا به مکانی برای فعالیت اقتصادی (کشاورزی) است، که گاه در نهایت منجر به تبدیل روستا به مزرعه شده و در اغلب موارد گروه کشاورزان فصلی یا غیرساکن را شکل داده است. این وضعیت عمدتاً از کمبود امکانات و خدمات ضروری در بیشتر روستاهای کشور و نیز محدودیت بسیار زیاد فرصت‌های شغلی در شهرهای میانی، شهرهای کوچک و خام‌شهرها ناشی می‌شود (شکویی، ۱۳۷۹، جلد ۱، ۴۱۵؛ زنگنه شهرکی، ۱۳۹۲، ۵۵۰). در نتیجه روستاییان ترجیح می‌دهند به کلان‌شهرها مهاجرت کنند یا با سکونت در یکی از شهرهای میانی و کوچک ضمن برخورداری نسبی از امکانات و خدمات بهتر، فعالیت اقتصادی‌شان را در روستا استمرار بخشند. در مورد اخیر علاوه بر عامل یادشده، انگیزه‌هایی نظیر برقراری ارتباط با زادگاه، حفظ مالکیت‌ها و منافع مادی و موقعیت اجتماعی در روستا نیز مؤثر است. تحولات یادشده موجب شدند که روستاییان در اجتماع روستایی دیگر انسجام و یکپارچگی گذشته را نداشته باشند.

در روستاها نیز گروه‌های با شیوه‌های زندگی^۱ گوناگون و راهبردهای معیشت^۲ متعدد شکل گرفتند. تعامل کشاورزان دائم و فصلی با منابع محیطی و اجتماع روستا دیگر تعاملی یکسان و هماهنگ نیست و هر گروه برحسب راهبرد معیشتی خود تعامل محیطی و کنش اجتماعی ویژه‌ای را دنبال می‌کند. این وضعیت می‌تواند پیامدهای اجتماعی متعددی در زمینه تغییرات هنجاری، فرهنگ‌پذیری، یکپارچگی گروهی، پذیرش اجتماعی، و تنش و تضاد اجتماعی به دنبال

1. Life styles

2. Livelihood Strategies

داشته باشد و خود پیامدهای محیطی - فضایی دیگری را به ظهور برساند. از این رو شناخت پدیده شهرنشینی کشاورزان و پیامدهای اجتماعی آن یکی از ضرورت‌های شناخت تحولات روستاها و در پی آن برنامه‌ریزی روستایی قلمداد می‌شود.

دهستان میربگ جنوبی به‌عنوان محدوده بررسی حاضر از توابع شهرستان دلفان استان لرستان، دارای ۳۶ روستا و ۱۲۵۲۷ نفر جمعیت در قالب ۲۲۱۲ خانوار است (استان‌داری لرستان، ۱۳۹۰، ۵۱). بیشتر روستاهای این دهستان به‌رغم برخورداری از توان‌های مناسب توسعه، کم‌وبیش با مشکلات متعددی چون بهره‌وری اندک تولید، دسترسی محدود به خدمات زیرساختی - رفاهی، آموزشی و بهداشتی مواجه‌اند. از این رو افزون‌بر مهاجرفرستی شدید روستاها، فرایند شهرنشینی شدن کشاورزان نیز طی سال‌های اخیر شیوع بسیاری یافته و در بیشتر روستاها پیدایش دو گروه کشاورز فصلی و ساکن رواج یافته است. بر این اساس مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که پیدایش گروه متمایز کشاورزان فصلی یا غایب در روستا چه اثری بر شرایط اجتماعی روستا داشته است.

مبانی نظری

مروری بر منابع موجود نشان می‌دهد که نظریه‌ها و مدل‌هایی که بتوانند به‌گونه‌ای مناسب و جامع موضوع تکوین، پیدایش و پیامدهای پدیده شهرنشینی شدن کشاورزان را تبیین کنند، اندک‌اند. منابع محدود موجود غالباً به مقوله کشاورزان پاره‌وقت^۱ پرداخته‌اند که الزاماً شهرنشینی نیستند، بلکه بسیاری از آنها در روستا اقامت دارند و به‌دلایل گوناگون کشاورزی خود را به‌صورت پاره‌وقت مدیریت می‌کنند.

آپتون و پی‌یرس نابرابری‌های ناحیه‌ای را در این زمینه مؤثر می‌دانند و معتقدند که فرایند توسعه اقتصادی موجب بروز نابرابری‌های ناحیه‌ای می‌شود. به‌دلیل این نابرابری‌ها، کشاورزان در

1. Part-time farmers

نواحی محروم برای حفظ بقا ناگزیر به کار در خارج از روستا روی می‌آورند و همین اقدام به‌عنوان مرحله گذار، مقدمه مهاجرت دائمی آنها از روستاست (Upton & Pearce, 1982, 202). براساس نظریه کارکردگرایی در کشورهای جهان سوم، نیاز به نیروی کار در بعضی مناطق پیشرفته و وجود نیروی کار اضافی در مناطق توسعه‌نیافته، موجب پیدایش مهاجرت به‌عنوان عامل تعادل‌بخش به این عدم‌تعادل منطقه‌ای خواهد گردید. از دیدگاه کارکردگرایان، آثار مهاجرت، مثبت است (جمعه‌پور و تراکمه، ۱۳۹۲، ۱۱۶). بخشی از این مهاجران به‌طور هم‌زمان به‌عنوان کشاورزان پاره‌وقت و غایب در روستا از منابع در اختیار خانوار بهره‌برداری می‌کنند. از مظاهر روابط متقابل فضایی شهر و روستا، شکل‌گیری خانوارهای چندفضایی^۱ است که در آن تمام یا بخشی از اعضای خانوار در شهر و دیگران در روستا اقامت دارند و از فرصت‌های مکمل موجود در شهر و روستا به‌نفع بقای خانوار استفاده می‌کنند (طاهرخانی و افتخاری، ۱۳۸۳، ۸۸). همانندی و یگانگی این گروه با محیط شهری می‌تواند پیامدهای اجتماعی- فرهنگی خاصی در جامعه روستایی در پی داشته باشد. تصمیم‌گیری برای سکونت در روستا یا شهر و اقدام برای بهره‌برداری از منابع خانوار در روستا را در چارچوب جغرافیای رفتاری نیز می‌توان بررسی کرد. تصمیم‌گیری فرد در این مورد به ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌های فردی یا جمعی و باورهای او بستگی دارد که این عناصر خود تحت تأثیر نظام اجتماعی و روابط حاکم بر نظام فضایی منطقه (اعم از شهر و روستا) قرار دارند (فیروزنیا، ۱۳۸۹، ۴).

برخی صاحب‌نظران با توجه به وضعیت کشورهای پیشرفته شکل‌گیری کشاورزی پاره‌وقت را در چارچوب عواملی چون افزایش فرصت‌های شغلی بیرون مزرعه، کوچک‌شدن اندازه مزارع، رشد سریع قیمت اراضی، تخصص‌گرایی، گسترش فناوری و کاهش فرصت‌های شغلی تمام‌وقت در بخش کشاورزی بررسی می‌کنند (Kada, 1982, 367؛ Brookfield & Parsons, 2007, 48؛ Paudel & Wang, 2002, 10).

1. Multi-spatial households

پیدایش کشاورزان غایب ناشی از فشار جمعیت در مناطق روستایی، روند رو به تزاید مهاجرت روستاییان به شهرها و نظام ارث‌بری مبتنی بر تقسیم زمین بین همه فرزندان است که موجب کوچک‌شدن بیش از حد اراضی می‌شود. این وضعیت، مهاجرت به شهرها را شدت می‌بخشد و بخشی از کشاورزان را به کشاورزان غایب تبدیل می‌کند (Mbonile, 2003, 2).

در هر صورت کشاورزان شهرنشین از نظر تحرک جغرافیایی، منافع گروهی متمایز و خصیصه‌های اجتماعی متفاوتی درمقایسه با کشاورزان مقیم روستا دارند که این مسئله خود پیامدها و آثار اجتماعی درخور توجهی را به دنبال دارد. گی‌روشه یکی از این پیامدها را در قالب تضادهای حاصل از محیط تعلق و محیط مرجع بررسی کرده است. از دید وی تفاوت‌های بین دو محیط یادشده موجب بروز دوگانگی و تضاد در فرایند اجتماعی شدن فرد می‌شود. این وضعیت در مورد خانوارهای با محیط تعلق روستا و محیط مرجع شهر موجب بروز مشکلاتی در ابعاد گوناگون اجتماعی- فرهنگی می‌شود که به‌ویژه در مورد فرزندان با شدت بیشتری بروز می‌یابد (روشه، ۱۳۶۷، ۱۸۱). چیتامبار معتقد است که تحرک مکانی و فصلی افراد موجب تضعیف انسجام گروهی می‌شود و وجود افراد غیردائم در گروه از یگانگی و همبستگی آن می‌کاهد. افراد در مکان‌های جدید با گروه‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کنند و به‌علت مناسبات مستمر با آنها از لحاظ روانی و جسمی از گروه‌هایی که قبلاً عضو آن بودند، دور می‌شوند (چیتامبار، ۱۳۷۸، ۱۶۱).

پیشینه

جست‌وجو در پیشینه موضوع مؤید نظریه‌های یادشده است. بررسی انجام‌شده در مورد کیفیت زندگی کشاورزان پاره‌وقت ژاپنی نشان می‌دهد که کیفیت زندگی اجتماعی کشاورزان تمام‌وقت بهتر از گروه پاره‌وقت است و انسجام اجتماعی و رضایت خانوارها در گروه اخیر کاهش یافته است (Raymond, & Jussaume, 1990, 266). کشاورزان فصلی و پاره‌وقت با توجه به زمان اقامت‌شان در روستا کمتر در جامعه محلی ادغام می‌شوند و چندان مورد پذیرش سکنه

تمام وقت نیستند. در برخی موارد سکنة فصلی به‌عنوان نیروی معارض قلمداد می‌شوند و در نتیجه به انسجام اجتماعی جامعه روستایی آسیب می‌زنند. اینان در برخوردهای اجتماعی و برقراری ارتباط با محیط زیست، ارزش‌های شهری را به محیط روستا منتقل می‌کنند که خوشایند سکنة دائمی روستا نیست و غالباً موجب بروز تنش در جامعه روستایی می‌شود (Brookfield & Clendenning & Field, 2005, 217; Cherry & Rogers, 1996, 141) (Reeder & Brown, 2005, 25; Parsons, 2007, 191). در تانزانیا کشاورزان غایب کمتر می‌توانند در مراسم اجتماعی روستا (عروسی، عزا، مراسم مذهبی و مانند اینها) شرکت کنند و این مسئله رابطه‌ای معکوس با فاصله محل سکونت از روستا دارد. همچنین کشاورزان مقیم روستا مرزهای مزارع را به نفع خودشان تغییر می‌دهند که موجب افزایش تنش و درگیری با کشاورزان غایب می‌شود (Mbonile, 2003, 8).

بازاندیشی در مبانی نظری و پیشینه موضوع این امر مهم را یادآور می‌شود که به‌موازات دوگانه‌انگاری شهر- روستا، یکسان‌نگری به جامعه روستایی نیز وجود دارد و گروه‌های گوناگون روستایی با راهبردهای معیشتی متفاوت از نظر دور مانده‌اند. این گروه‌ها علاوه بر طیف متنوع رفتار و تعامل با منابع محیطی، پیوستار پیچیده‌ای از روابط و تعامل اجتماعی - فرهنگی را در جوامع روستایی به ظهور می‌رسانند که بر پیچیدگی‌های جامعه‌شناختی جوامع روستایی امروزین می‌افزاید.

روش‌شناسی

تحقیق حاضر از نظر نوع، توصیفی- تحلیلی و از نظر هدف کاربردی و از بعد گستره موردی است. جمع‌آوری اطلاعات به‌گونه اسنادی و میدانی سازماندهی شده است. برای بررسی پیامدهای اجتماعی شهرنشین شدن کشاورزان با تکیه بر مبانی نظری و پیشینه و نیز مصاحبه‌های انجام‌شده در محل، تعداد ۱۸ گویه در قالب ۵ مؤلفه تدوین و ارزیابی شد (جدول ۱).

جدول ۱. مؤلفه‌ها و گویه‌های مورد بررسی

پذیرش اجتماعی	۱. میزان تمایل به شرکت در مراسم گروه دیگر؛ ۲. میزان تمایل به سرمایه‌گذاری مشترک؛ ۳. میزان تمایل به ازدواج با اعضای گروه دیگر؛ ۴. میزان احساس اعتماد به گروه دیگر؛ ۵. میزان پذیرش به‌عنوان عضو شورای اسلامی
الگوپذیری	۱. در ساخت‌وساز مسکن؛ ۲. در مراسم اجتماعی (عروسی، عزا و جزاینها)؛ ۳. در لباس و پوشاک؛ ۴. در فرهنگ مصرف مواد غذایی؛ ۵. در توسعه شیوه‌های نوین کشاورزی
رضایت شغلی	۱. میزان استفاده از نیروی کار خانواده در عملیات کشاورزی؛ ۲. میزان تمایل فرزندان به استمرار شغل پدری؛ ۳. میزان رضایت از شغل کشاورزی
اختلاف و تنش	۱. میزان اختلاف در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کشاورزی (تقسیم دوره‌های زمین و مانند اینها)؛ ۲. میزان اختلاف در تصمیم‌گیری‌های مربوط به اداره امور روستا؛ ۳. اختلاف در زمینه رعایت ارزش‌ها و سنت‌های محلی؛ ۴. میزان اختلاف ناشی از دعوی حقوقی در زمینه مالکیت اراضی؛ ۵. میزان اختلاف ناشی از وارد آمدن خسارت به اراضی زراعی و باغ‌ها

منبع: مبانی نظری و پیشینه تحقیق

محدوده بررسی، ۳۶ روستای دهستان میربگ جنوبی از توابع شهرستان دلفان با جمعیت ۲۲۱۲ خانوار است (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵). از این تعداد، ۵ روستای چراغ‌آباد، ده‌یوسفان سفلی، تتیانسر، رضویس و دل‌بید برگزیده شدند و عمده‌ترین ملاک انتخاب آنها وجود دو گروه بهره‌بردار دائمی و فصلی در روستا بود. بنابراین جامعه آماری تحقیق شامل ۲۲۰ سرپرست خانوار روستایی دائمی یا فصلی روستاهای یادشده است. از این تعداد طبق فرمول کوکران حجم نمونه ۱۳۹ نفر محاسبه شد که ۸۰ نفر آنها جزو سکنة دائمی و ۵۹ نفر دیگر کشاورزان پاره‌وقت و فصلی روستاهای مذکورند که در یکی از شهرهای منطقه سکونت دارند. توزیع نمونه در مورد گروه نخست (ساکن روستا) با استفاده از روش انتساب متناسب انجام شد و در مورد گروه دوم (ساکن شهر) تمام‌شماری انجام گرفت. در مورد کشاورزان دائمی ساکن روستا از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده بهره‌گیری شد. در انجام عملیات میدانی، روش پرسشگری مستقیم به‌کار گرفته شد. بدین منظور دو پرسشنامه برای کشاورزان با سکونت دائمی و فصلی

طراحی شد. روایی^۱ پرسشنامه‌ها از طریق مراجعه به متخصصان موضوعی تأیید شد و پایایی^۲ آنها پس از انجام پیش‌آزمون از طریق آزمون آلفای کرونباخ^۳ بررسی گردید. نتیجه آزمون نشان داد که در هر دو پرسشنامه و همه ابعاد بررسی، مقدار آلفا بیش از ۰/۷۲۱ است و بنابراین ابزار تحقیق پایایی لازم را دارد.

برای تحلیل یافته‌ها علاوه بر آماره‌های توصیفی از آزمون‌های تی مستقل، من‌ویتنی و ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. با توجه به رتبه‌ای بودن مقیاس‌های بررسی، برای قضاوت کلی در مورد مؤلفه‌ها و ابعاد تحقیق از طیف ارزیابی مطلوبیت نونالی^۴ استفاده شد. نونالی با طراحی طیف چهارتایی (جدول ۲)، میزان مطلوبیت نمره‌های ارزیابی شده از طریق پرسشنامه‌های پنج ارزشی طیف لیکرت را بیان کرده است (نونالی به نقل از رضوانی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۰۷).

جدول ۲. طیف ارزیابی نونالی

استاندارد	۱-۱/۹۹	۲-۲/۹۹	۳-۳/۹۹	۴-۵
	نامطلوب/کم	نسبتاً نامطلوب/نسبتاً کم	نسبتاً مطلوب/نسبتاً زیاد	مطلوب/زیاد

یافته‌ها

از ۱۳۹ سرپرست خانوار بررسی شده، حدود ۵۸ درصد سکنة دائمی روستا و ۴۲ درصد کشاورزان فصلی شهرنشین هستند. ۶۶ درصد گروه اخیر ساکن شهر نورآبادند و بقیه به ترتیب فراوانی در شهرهای خرم‌آباد، کوهدشت و سراب‌دوره سکونت دارند. این گروه بین ۴ تا ۳۲ سال سابقه سکونت در شهر دارند و میانگین سکونت ایشان در شهرهای یادشده حدود ۱۳/۵ سال است. از ۵۹ نفر پاسخگوی شهرنشین نزدیک به ۷۰ درصد در روستا اقامت فصلی دارند که

1. Validity
2. Reliability
3. Cronbach's alpha
4. J.C. Nunnally

اقامت ۷۲ درصد آنها در روستا بین ۱ تا ۲ ماه به طول می‌انجامد. ۱۷ نفر نیز (حدود ۳۰ درصد) عمدتاً در فصل کشت‌وکار بین شهر محل اقامت و روستا تردد روزانه دارند، که ۵ نفر ایشان ۳ روز در هفته و ۶ نفر نیز ۶ روز در هفته به روستای خود آمدورفت می‌کنند.

از نظر ساختار شغلی تفاوت درخور توجهی بین دو گروه وجود دارد. درحالی‌که شغل اصلی حدود ۷۶ درصد پاسخ‌گویان ساکن شهر زراعت است، این رقم برای همگنان مقیم روستا حدود ۱۴ درصد است و درمقابل ۸۵ درصد افراد این گروه زراعت، دام‌داری و باغ‌داری را شغل اصلی خویش اعلام کرده‌اند. ظاهراً کشاورزان شهرنشین به‌دلیل نیاز به مراقبت بیشتر و مستمر باغ‌داری و دام‌داری تمایل کمتری به انجام این کار دارند و صرفاً به فعالیت‌های زراعی بیه‌ویژه کشت گیاهان یک‌ساله نظیر گندم دیم- روی آورده‌اند. از نظر وضعیت شغل فرعی یا کار دوم نیز درحالی‌که ۵۵ درصد سکنه روستا فاقد شغل فرعی و دوم بودند، حدود ۶۰ درصد گروه شهرنشین به کارگری می‌پرداختند. می‌توان گفت که گروه اخیر کاهش منابع درآمدی فعالیت‌های کشاورزی روستا را با مشاغل جایگزین دیگری نظیر کارگری جبران می‌کنند. به‌منظور بررسی معناداری تفاوت دو گروه، از آزمون من‌ویتنی استفاده شد، که نتیجه آن در هر دو مورد شغل اصلی و فرعی گویای تفاوت معنادار بین دو گروه است (سطح معناداری = ۰/۰۰۰).

از نظر مالکیت اراضی زراعی نیز تفاوت درخور توجهی بین دو گروه وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که میانگین اراضی آبی برای سکنه دائمی و فصلی روستا به‌ترتیب حدود ۱/۳ و ۰/۸ هکتار است. میانگین اراضی دیم برای سکنه دائمی و شهرنشین به‌ترتیب ۴/۸ و ۳/۵ هکتار است. از کل پاسخ‌گویان حدود ۳۰ درصد فاقد اراضی باغی هستند و میانگین وسعت اراضی باغی برای کشاورزان دائمی حدود ۰/۴ هکتار و برای کشاورزان فصلی کمتر از ۰/۲ هکتار است. نتایج آزمون تی مستقل در مورد اراضی آبی، دیم و باغی نشان می‌دهد که با تأیید فرض نابرابری واریانس گروه‌ها، تفاوتی معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین آنها وجود دارد. درواقع کشاورزان فصلی دوره گذار به‌سوی شهرنشینی را سپری می‌کنند و به‌تدریج بخشی از زمین‌های‌شان را به سکنه دائمی واگذار و به‌نحوی در شهر یا مشاغل دیگر سرمایه‌گذاری می‌کنند (جدول ۳).

جدول ۳. مقایسه وضعیت کشاورزان ساکن و فصلی بر حسب مالکیت اراضی کشاورزی

سطح معناداری	درجه آزادی	مقدار t	آزمون یوین		آماره متغیر
			مقدار F	معناداری	
۰/۰۰۲	۱۳۳/۹۶۲	۳/۰۹۹	۵/۳۶۱	۰/۰۲۲	اراضی آبی
۰/۰۰۸	۱۲۴/۱۴۸	۲/۷۰۱	۲۲/۹۵۸	۰/۰۰۰	اراضی دیم
۰/۰۰۰	۱۳۲/۵۸۸	۳/۵۸۶	۱۷/۹۰۵	۰/۰۰۰	اراضی باغی

منبع: یافته‌های میدانی

حدود ۸۶ درصد سکنة دائمی و حدود ۵۲ درصد کشاورزان فصلی در روستا دارای منزل مسکونی هستند. آزمون من‌ویتنی نشان می‌دهد که مقدار U برابر ۱۵۶۴/۵۰۰ و سطح معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ است و نشان از تفاوت دو گروه بررسی شده دارد. درحالی‌که ۶۱ درصد کشاورزان فصلی دارای وسیله نقلیه شخصی هستند، این رقم برای سکنة دائمی ۲۲/۵ درصد است. آزمون من‌ویتنی نیز مؤید تفاوت معنادار دو گروه در این زمینه است (مقدار $U=۱۴۵۱/۰۰۰$ ، سطح معناداری = ۰/۰۰۰).

بررسی گویه‌های مرتبط با مؤلفه میزان پذیرش اجتماعی نشان می‌دهد که هر دو گروه برای شرکت در مراسم اجتماعی یکدیگر در حدود ۷۰ درصد تمایل زیاد یا خیلی زیاد دارند. درحالی‌که در مورد ازدواج تمایل گروه ساکن روستا به مراتب بیش از گروه ساکن شهر است (۸۶ در مقابل ۳۹ درصد). گروه ساکن شهر بیش از گروه دیگر تمایل به عضویت در شورای روستا دارند (۸۵ در برابر ۲۶ درصد). در مورد تمایل به سرمایه‌گذاری مشترک، ازدواج و پذیرش به‌عنوان عضو شورا بین کشاورزان با سکونت دائمی و فصلی تفاوت معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد وجود دارد. در مجموع براساس میانگین رتبه‌ای به‌دست‌آمده و استفاده از مقیاس ارزیابی نونالی می‌توان قضاوت کرد که وضعیت پذیرش اجتماعی دو گروه نسبت به یکدیگر در شرایط نسبتاً مطلوب قرار دارد (جدول ۴).

جدول ۴. وضعیت پذیرش اجتماعی کشاورزان ساکن شهر و روستا

گویه	شرکت در مراسم	ازدواج	شراکت	اعتماد متقابل	عضو شورا
مقدار U من‌ویتی	۱۹۸۹/۰۰۰	۱۰۷۰/۰۰۰	۱۶۲۵/۰۰۰	۲۰۸۳/۵۰۰	۷۶۱/۵۰۰
سطح معناداری	۰/۰۹۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰
میانگین رتبه‌ای پذیرش اجتماعی	روستا: ۳/۵۴		شهر: ۳/۷۶		
پذیرش برحسب مقیاس نونالی	نسبتاً مطلوب (۳ - ۳/۹۹)		نسبتاً مطلوب (۳ - ۳/۹۹)		

منبع: یافته‌های میدانی

در ارزیابی الگوپذیری سکنة روستا از کشاورزان فصلی، بیش از ۶۱ درصد پاسخ‌گویان دو گروه ساکن شهر و روستا، الگوپذیری در حد زیاد تا خیلی زیاد را ازسوی جامعه محلی پذیرفتند. اما در مورد انتقال شیوه‌های جدید کشاورزی ۴۵ درصد پاسخ‌گویان ساکن روستا و حدود ۵ درصد کشاورزان فصلی این تأثیرپذیری را در حد خیلی کم و کم ارزیابی کردند. آزمون من‌ویتی در همه موارد یادشده مؤید وجود تفاوت معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین اظهار نظرهای دو گروه است. ارزیابی نهایی براساس مقیاس نونالی گویای آن است که میزان الگوپذیری از نظر کشاورزان ساکن روستا در حد زیاد و از نظر کشاورزان ساکن شهر در حد نسبتاً زیاد است (جدول ۵).

جدول ۵. وضعیت الگوپذیری کشاورزان ساکن شهر و روستا از یکدیگر

گویه	ساخت مسکن	مراسم اجتماعی	طرز پوشش	مصرف غذایی	کشاورزی
مقدار U من‌ویتی	۱۵۶۷/۵۰۰	۱۶۳۶/۰۰۰	۱۷۰۵/۵۰۰	۱۷۰۷/۵۰۰	۱۲۳۴/۰۰۰
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰
میانگین رتبه‌ای	روستا: ۴/۰۶		شهر: ۳/۸۳		
الگوپذیری برحسب مقیاس نونالی	زیاد (۵ - ۴)		نسبتاً زیاد (۳ - ۳/۹۹)		

منبع: یافته‌های میدانی

بررسی گویه‌های وضعیت رضایت شغلی پاسخ‌گویان بیانگر تفاوت دو گروه کشاورزان ساکن شهر و روستا در این زمینه است. درحالی‌که میزان استفاده از نیروی کار خانوادگی ۸۰ درصد گروه ساکن روستا در حد زیاد و خیلی زیاد است، این رقم برای گروه ساکن شهر ۲۲ درصد است. اگرچه تمایل فرزندان هر دو گروه به ادامه شغل پدر در حد کم و خیلی کم است، این بی‌میلی در فرزندان ساکن شهر شدیدتر از همگنان روستایی آنهاست (حدود ۷۵ در مقابل ۵۶ درصد). در مورد رضایت شغلی نیز درحالی‌که ۴۵ درصد گروه ساکن روستا رضایتی در حد متوسط داشتند، ۶۶ درصد گروه ساکن شهر رضایت خیلی کم یا کم از شغل خود ابراز کرده‌اند. آزمون من‌ویتنی در همه موارد نشان‌دهنده تفاوت معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد بین دو گروه بررسی شده است. درنهایت مقیاس ارزیابی نونالی نشان می‌دهد که رضایت شغلی در مورد کشاورزان ساکن روستا نسبتاً زیاد و برای گروه ساکن شهر نسبتاً کم است. به بیان دیگر، گروه اخیر از سر ناچاری و نبود فرصت‌های شغلی جایگزین به کشاورزی در روستا ادامه می‌دهند (جدول ۶).

جدول ۶. رضایت شغلی کشاورزان ساکن شهر و روستا

گویه شرح	استفاده از کار خانوادگی	تمایل فرزندان به ادامه شغل پدری	رضایت از شغل کشاورزی
مقدار U من‌ویتنی	۶۲۴/۵۰۰	۱۶۵۰/۵۰۰	۱۲۰۲/۰۰۰
سطح معناداری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
میانگین رتبه‌ای	روستا: ۳/۲۰ شهر: ۲/۱۳		
رضایت شغلی برحسب مقیاس نونالی	نسبتاً زیاد (۳-۳/۹۹) نسبتاً کم (۲-۲/۹۹)		

منبع: یافته‌های میدانی

حدود ۸۵ درصد کشاورزان ساکن شهر و ۹۴ درصد مقیم روستا وجود اختلاف و تنش در زمینه امور کشاورزی را در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی کردند. حدود ۶۳ درصد کشاورزان ساکن روستا و ۵۶ درصد همگنان شهرنشین آنها اختلاف و تنش در اداره امور روستا را زیاد یا

خیلی زیاد برشمردند. گروه روستانشین اختلاف درباره رعایت ارزش‌ها و سنت‌ها را کمتر از گروه ساکن شهر ارزیابی کردند. میزان تنش و اختلاف در زمینه مالکیت اراضی کشاورزی از دید هر دو گروه بررسی شده در حد زیاد و خیلی زیاد و به خصوص در مورد کشاورزان مقیم روستا بیش از ۹۲ درصد است. افزون بر این، اختلاف در زمینه وارد آمدن خسارت به زمین‌های زراعی و محصولات از دید گروه ساکن روستا و شهر در حد زیاد و خیلی زیاد ارزیابی شده و به ترتیب حدود ۷۸ و ۸۸ درصد آرا را به خود اختصاص داده است. قضاوت نهایی براساس طیف نونالی نشان می‌دهد که اختلاف و تنش بین دو گروه نسبتاً زیاد است (جدول ۷).

جدول ۷. میزان اختلاف و تنش بین کشاورزان ساکن شهر و روستا

گویه شرح	در کشاورزی	امور روستا	رعایت ارزش‌ها	مالکیت اراضی	خسارت محصول
مقدار U من‌ویتنی	۱۹۲۸/۵۰۰	۲۲۸۰/۵۰۰	۱۸۴۵/۵۰۰	۱۹۲۵/۰۰۰	۲۱۷۵/۰۰۰
سطح معناداری	۰/۰۴۰	۰/۷۲۴	۰/۰۲۴	۰/۰۳۵	۰/۳۹۲
میانگین رتبه‌ای تنش اجتماعی	روستا: ۳/۹۷		شهر: ۳/۹۴		
اختلاف و تنش برحسب مقیاس نونالی	نسبتاً زیاد (۳-۳/۹۹)		نسبتاً زیاد (۳-۳/۹۹)		

منبع: یافته‌های میدانی

برای بررسی ارتباط متغیرهای اصلی پژوهش از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می‌دهند که بین پذیرش اجتماعی و الگوپذیری رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد و بین پذیرش اجتماعی و رضایت شغلی رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بنابراین، پذیرش اجتماعی بیشتر گروه‌های بررسی شده نسبت به هم، موجب افزایش رضایت شغلی آنان می‌شود. بین الگوپذیری و سال‌های سکونت در شهر رابطه منفی و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد مشاهده می‌شود. بنابراین، الگوپذیری کشاورزان مقیم روستا از گروه ساکن شهر در سال‌های نخست بیشتر است، که می‌تواند ناشی از افزایش فاصله فرهنگی دو گروه به فراخور گذر زمان باشد. در مورد هر دو گروه بین رضایت شغلی و سن رابطه مثبت و معنادار در سطح اطمینان ۹۵ درصد وجود دارد. بین رضایت شغلی

و محل سکونت نیز رابطه منفی و معنادار در سطح اطمینان ۹۹ درصد مشاهده می‌شود و رضایت شغلی کشاورزان ساکن شهر کمتر از گروه ساکن روستاست (جدول ۸).

جدول ۸. ضریب همبستگی متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر اول	متغیر دوم	ضریب همبستگی	سطح معناداری
پذیرش اجتماعی	الگوپذیری	۰/۳۱۹	۰/۰۰۰
	رضایت شغلی	۰/۲۰۱	۰/۰۱۸
الگوپذیری	سنوات سکونت در شهر	-۰/۳۲۳	۰/۰۱۳
رضایت شغلی	سن	۰/۱۸۳	۰/۰۳۱
	محل سکونت	-۰/۵۹۹	۰/۰۰۰

منبع: یافته‌های میدانی

بحث و نتیجه‌گیری

امروزه در بستر تعامل شهر- روستا خانوارهای چندفضایی شکل گرفته‌اند که کشاورزان شهرنشین نمونه بارز آن است. حضور فصلی این گروه در روستا گاه در تعامل و گاه در تعارض با کشاورزان مقیم قرار می‌گیرد که همین امر شناسایی پیامدهای اجتماعی آن را ضروری ساخته و پژوهش حاضر کوششی در این زمینه است. نتایج بررسی نشان دادند که هرچند در مواردی مانند تمایل به ازدواج و پذیرفته شدن به عنوان عضو شورای روستا دو گروه پذیرش یکسانی نداشتند، اما وضعیت پذیرش اجتماعی آنها براساس مقیاس نونالی در شرایط نسبتاً مطلوب قرار دارد (میانگین رتبه‌ای: روستا: ۳/۵۴؛ شهر: ۳/۷۶). این یافته تا حدی مغایر یافته‌های بروکفیلد و پارسون (۲۰۰۷)، چری و راجرز (۱۹۹۶)، کلندینگ و فیلد (۲۰۰۵)، ریدر و براون (۲۰۰۵) است. در ارزیابی میزان الگوپذیری ساکنان روستا از کشاورزان فصلی در اغلب موارد بیش از ۶۱ درصد پاسخ‌گویان دو گروه ساکن شهر و روستا، الگوپذیری جامعه محلی را در حد زیاد تا خیلی زیاد ارزیابی کردند. ارزیابی نهایی گویای آن است که میزان الگوپذیری از نظر کشاورزان ساکن

روستا در حد زیاد (میانگین رتبه‌ای: ۴/۰۶) و از نظر کشاورزان ساکن شهر در حد نسبتاً زیاد (میانگین رتبه‌ای: ۳/۸۳) است، که یافته‌های پژوهشگران یادشده را تأیید می‌کند. همچنین رضایت شغلی در مورد کشاورزان ساکن روستا نسبتاً زیاد (میانگین رتبه‌ای: ۳/۲۰) و برای گروه ساکن شهر نسبتاً کم (میانگین رتبه‌ای: ۲/۱۳) است. به عبارتی گروه اخیر دوره گذار به شهرنشینی را سپری کرده‌اند و شاید به دلیل وجود شغل و درآمد کافی در شهر، زراعت در روستا را با توجه به زمین کمتر وانهند. بررسی اختلاف و تنش بین دو گروه بیانگر آن است که تنش در امور کشاورزی، مسائل مربوط به مالکیت زمین و وارد آمدن خسارت به محصول عمدتاً شدید است و در همه موارد بیش از ۶۷ درصد پاسخ‌گویان هر دو گروه این اختلافات را در حد متوسط تا خیلی زیاد ارزیابی کردند. مقیاس نونالی نیز میزان اختلاف و تنش بین دو گروه را در حد نسبتاً زیاد (میانگین رتبه‌ای: روستا: ۳/۹۷؛ شهر: ۳/۹۴) نشان می‌دهد. این نتیجه یافته‌های چری و راجرز (۱۹۹۶)، مینابیل (۲۰۰۳)، کلندنینگ و فیلد (۲۰۰۵)، ریدر و براون (۲۰۰۵) و بروکفیلد و پارسون (۲۰۰۷) را در مورد افزایش تنش‌های ساکنان فصلی و محلی تأیید می‌کند. بررسی ارتباط متغیرهای اصلی پژوهش نشان داد که بین پذیرش اجتماعی و متغیرهای الگوپذیری و رضایت شغلی رابطه مثبت و معنادار برقرار است. الگوپذیری گروه مقیم روستا از کشاورزانی که سابقه شهرنشینی کمتری دارند بیشتر است. افزون بر این، رضایت شغلی جوان‌ترها و گروه ساکن شهر کمتر از دیگران است.

کشاورزان شهرنشین به‌عنوان گروهی از ساکنان فصلی روستا در کشور ما، روستاییانی هستند که به دلایل متعددی سکونت در شهر و فعالیت در روستا را برگزیده‌اند. این گروه، جایگاه و موقعیت اجتماعی کشاورزان مقیم روستا را ندارند و در تصمیم‌گیری‌های اساسی روستا نفوذ کمتری دارند، اما در عین حال در بسیاری زمینه‌ها محمل انتقال فرهنگ شهری به روستا هستند. کشاورزان شهرنشین اختلاف منافع زیادی در زمینه مالکیت زمین، امور کشاورزی و اداره امور روستا با ساکنان دائمی روستا دارند که گاه منجر به بروز تنش‌های جدی بین ایشان می‌شود. این وضعیت بیش از پیش ضرورت شناخت همه‌جانبه مسئله و برنامه‌ریزی متناسب با آن را آشکار می‌سازد.

منابع

- استانداری لرستان، ۱۳۹۰، سالنامه آماری استان لرستان - ۱۳۹۰، معاونت برنامه‌ریزی استانداری لرستان، بازیابی شده در تاریخ ۱۳۹۱/۷/۲۵:
- <http://www.ostan-lr.ir/ostan-lr/pagecontent.php?rQV>
- جمعه‌پور، محمود و تراکمه، هدایت‌عیدی، ۱۳۹۲، پژوهش کیفی درباره کیفیت زندگی مهاجران فصلی نیروی کار جوان روستایی از شهرستان کلیبر به تهران، دوفصلنامه توسعه روستایی، سال ۵، شماره ۱، صص. ۱۳۲-۱۱۱.
- جمعه‌پور، محمود، ۱۳۸۴، نگرش سیستمی به روستا و توسعه روستایی، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۸، شماره ۱، صص. ۸۰-۵۵.
- چیتامبار، جی.بی، ۱۳۷۸، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی روستایی، ترجمه احمد حجاران و مصطفی ازکیا، نشر نی، تهران.
- رضوانی، محمدرضا، صادقلو طاهره و سجاسی قیداری، حمدالله، ۱۳۹۰، سنجش درجه روستاگرایی با استفاده از مدل تاپسیس فازی - مطالعه موردی: روستاهای دهستان مرکزی شهرستان خدابنده، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال دوم، شماره ۵، صص. ۳۱-۱.
- رضوانی، محمدرضا، محمدی، سمیه، پیری، صدیقه، ۱۳۹۲، ارزیابی عملکرد دهیاری‌ها با استفاده از مدل چارچوب عمومی ارزیابی (CAF) مطالعه موردی: شهرستان دهلران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، سال ۴۵، شماره ۱، صص. ۲۱۶-۱۹۹.
- روشه، گی، ۱۳۶۷، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی - کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد.
- زنگنه شهرکی، سعید، ۱۳۹۲، فرایند تبدیل نقاط روستایی به شهر در مقیاس ملی و پیدایش پدیده خام‌شهرها، فصلنامه پژوهش‌های روستایی، سال ۴ شماره ۳، صص. ۵۵۷-۵۳۵.
- شکویی، حسین، ۱۳۷۹، دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری، جلد اول، انتشارات سمت، تهران.
- طاهرخانی، مهدی و افتخاری، عبدالرضا رکن‌الدین، ۱۳۸۳، تحلیل نقش روابط متقابل شهر و روستا در تحول نواحی روستایی استان قزوین، فصلنامه مدرس علوم انسانی، سال ۸ شماره ۴، صص. ۱۱۲-۷۹.

فیروزنیا، قدیر، ۱۳۸۹، تأثیر ابعاد فضایی - مکانی بر استمرار کارکرد اقتصادی روستاهای در معرض تخلیه جمعیتی شهرستان قزوین، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۳، شماره ۱، صص. ۲۰ - ۱.

مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵، شناسنامه آبادی‌های استان لرستان - سال ۱۳۸۵، بازیابی شده در تاریخ <http://www.amar.org.ir/Default.aspx?tabid=1042>، ۱۳۹۲/۱۱/۷

وودز، مایکل، ۱۳۹۰، جغرافیای روستایی - فرایندها، واکنش‌ها و تجربه‌های بازساخت روستایی، ترجمه محمدرضا رضوانی و صامت فرهادی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.

Brookfield, Harold & Parsons, Helen, 2007, **Family Farms: Survival and Prospect- A world-wide analysis**, Routledge, New York.

Cherry, G.E. & Rogers, A., 1996, **Rural Change and Planning-England and Wales in the Twentieth Century**, Chapman & Hall, London.

Clendenning, G. & Field, D.R., 2005, **Seasonal Residents: Members of community or part of the scenery?**, Edward Elgar, Northampton.

Kada, R., 1982, **Trends and Characteristics of Part-time Farming in Post-war Japan**, *Geojournal*, Vol. 6, No. 4, PP. 367-371

Mbonile, M.J., 2003, **Absentee Farmers and Change of Land Management on Mount Kilimanjaro, Tanzania**, LUCID working paper series Number 24, Nairobi, Kenya.

Paudel, K.P. & Wang, Y., 2002, **Part Time Farming, Farm Productivity, and Farm Income: Evidence from the Southeast US**, American Agricultural Economics Association's annual meeting, Long Beach, California, July 28-31.

Raymond, A. & Jussaume, Jr., 1990, **Quality-of-Life Perceptions of Japanese Part-time Farmers**, *Journal of Rural Studies*, Vol. 6, No. 3, PP. 259-268.

Reeder, R.J. & Brown, D.M., 2005, **Recreation, Tourism and Rural Well-Being**, United States, Department of Agriculture, Economic Research Report No. 7, retrieved from: www.ers.usda.gov (March, 2014).

Upton, M. & Pearce, R., 1982, **Part-time Farming in Cyprus**, *Agricultural administration*, Vol. 11, No. 3, PP. 201-213.